

Investigating the Legal-Economic Challenges of the Arbitration System in Iran's Legal System

Saeid Yektaei¹, Yousef Darvishi Hoveyda^{2*}, Mohammad Hossein Erfan Maneshi³

1. PhD Student in Private Law, Law Department; Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 155-170

Article history:

Received: 12 May 2024

Edition: 12 Jul 2024

Accepted: 29 Aug 2024

Published online: 27 Sep 2025

Keywords:

Arbitration System, Arbitration Award, Dispute Resolution, Legal Challenges, Economic Challenges.

Corresponding Author:

Yousef Darvishi Hoveyda

Address:

Iran, Tehran, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Department of Jurisprudence and Law.

Orchid Code:

0009-0001-2320-3850

Tel:

09122974129

Email:

yousefdarvishihoveyda@yahoo.com

ABSTRACT

Background and purpose: The aim of this article is to examine the economic legal challenges of the arbitration system in Iran's legal system.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: The findings showed that the legal challenges of the arbitration system in Iran's legal system can be dealt with in two parts: the challenges of conducting arbitration (including the proceedings until the issuance of the arbitration award) and the challenges of implementing arbitration.

Result: Based on this, the problems of the arbitration institution in Iran's judicial system, which has been marginalized (the limits of arbitration jurisdiction), are as follows: 1) The internal laws of Iran have been very briefly addressed to the arbitration institution, and even the constitution In order to deal with grievances (crimes), it has only referred to the judicial authorities, and the lack of reference to the arbitration institution in the constitution has added to the scope of this isolation. 2) On the other hand, due to the as a method of resolving disputes in our society is felt more and more strongly day by day. 3) The arbitration system in Iran has many weak points due to incomplete and ambiguous laws, and the lack of acceptance by society to resolve disputes from this system

Cite this article as:

Yektaei, S; Darvishi Hoveyda, Y; Erfan Manesh, M-H. *Investigating the Legal-Economic Challenges of the Arbitration System in Iran's Legal System* Economic Jurisprudence Studies. 2025.

بررسی چالش‌های حقوقی - اقتصادی سیستم دאوری در نظام حقوقی ایران

سعید یکتائی^۱، یوسف درویشی هویدا^{۲*}، محمدحسین عرفان منش^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق؛ واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دآوری در ایران آن‌گونه که باید کارآمد نیست. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی چالش‌های حقوقی اقتصادی سیستم دآوری در نظام حقوقی ایران است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد چالش‌های حقوقی سیستم دآوری در نظام حقوقی ایران در دو بخش چالش‌های انجام دآوری (شامل رسیدگی تا صدور رأی دآوری) و چالش‌های اجرای دآوری قابل رسیدگی است.

نتیجه: نتیجه اینکه بر این اساس مشکلات نهاد دآوری در سیستم قضایی کشور ایران که به حاشیه رانده شده است (حدود صلاحیت دآوری) به شرح زیر است: (۱) قوانین داخلی کشور ایران به صورت خیلی خلاصه به نهاد دآوری پرداخته شده است و حتی قانون اساسی جهت رسیدگی به تظلمات (جرم و جنایات)، صرفاً به مراجع قضایی اشاره نموده است و عدم اشاره به نهاد دآوری در قانون اساسی به دامنه این انزوا افزوده است. (۲) از سوی دیگر به دلیل افزایش روزافزون پرونده‌ها نزد مراجع قضایی، نیاز به استفاده از سیستم دآوری به عنوان یک روش حل و فصل اختلافات در جامعه ما روز به روز با شدت بیشتر احساس می‌شوند. (۳) سیستم دآوری در ایران به دلیل قوانین ناقص و مبهم، دارای نقاط ضعف عدیده‌ای می‌باشد و همین مسأله باعث نارسایی‌ها و عدم استقبال افراد جامعه برای حل و فصل اختلافات از این سیستم شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۵-۱۷۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

واژگان کلیدی:

سیستم دآوری، رأی دآوری، حل و فصل اختلافات، چالش‌های حقوقی، چالش‌های اقتصادی.

نویسنده مسئول:

یوسف درویشی هویدا

آدرس پستی:

ایران، تهران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه فقه و حقوق.

تلفن:

09122974129

کد ارکید:

0009-0001-2320-3850

پست الکترونیک:

yousef.darvishihoveyda@yahoo.com

۱. مقدمه

داوری در حقوق ایران به سال ۱۳۲۹ در قانون اصول محاکمات حقوقی در مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ بر می‌گردد. در قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸ مواد ۶۳۲ به بعد و در قانون جدید مصوب ۱۳۷۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مواد ۴۵۴ به بعد به داورى اختصاص یافته است. در قانون فعلی ایران، قوانین داورى شامل مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران مصوب ۱۳۷۶ می‌باشد. در ایران بعد از تصویب قانون داورى تجارى بین‌المللى، داورى داخلی و داورى بین‌المللى از یکدیگر متمایز شدند علی‌رغم اینکه داورى به عنوان یکی از راه‌های حل و فصل اختلافات است که مزایای زیادی نیز در مقایسه با حل و فصل اختلافات از طریق سیستم قضایی به همراه دارد ساختار حقوقی داورى در ایران به گونه‌ای می‌باشد که گاه‌ها در ارجاع دعوى و اختلافات به داورى، با موانع و مشکلاتی در نظام حقوقی و قضایی مواجه می‌شویم. موضوعاتی وجود دارد که از نظر سیستم‌های حقوقی قابل ارجاع به داورى نیستند یا قانونگذار شرایط خاصی برای ارجاع به داورى مقرر نموده است. بنابراین آزادی اراده طرفین در رجوع به داورى با محدودیت‌هایی روبروست. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که چالش‌های حقوقی- اقتصادی سیستم داورى در نظام حقوقی ایران کدام است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه «سیستم داورى در ایران به دلایلی از جمله عدم توجه جدی قانون‌گذار و وجود قوانین ناقص و مبهم در سیدگی به حل و فصل اختلافات ناکارآمد است». به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا به بررسی داورى در

نظام حقوقی ایران پرداخته شد و در ادامه از چالش‌های حقوقی- اقتصادی سیستم داورى در نظام حقوقی ایران بحث شده است.

۵. بحث

۵-۱. داورى در نظام حقوقی ایران

در مورد داورى، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مواد ۴۵۴ الی ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قوانین داورى داخلی، دارای اعتبار می‌باشد طبق این قانون «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد به داورى یک یا چند نفر ارجاع دهند». داورى معمولاً به عنوان یک حوزه، منحصرأً برای حقوق خصوصی در نظر گرفته می‌شود. قرارداد داورى همانند سایر قراردادهای باید موضوع داشته باشد و به طور اجمالی باید مشخص شود که موضوع چیست که می‌تواند اختلافی باشد که از قبل حادث شده است و یا روابط حقوقی مشخصی است که احتمال دارد در آینده منشاء اختلاف شوند. اگر بین طرفین نه اختلافی باشد و نه رابطه حقوقی پس تصور قرارداد داورى منتفی است زیرا به خاطر نبود موضوع، فاقد یکی از شرایط صحت معاملات است. ولی همین‌که اجمالاً یک رابطه حقوقی باشد و یا حادثه‌ای رخ دهد (غیر قراردادی) می‌توان به داورى ارجاع داد. هرچند می‌بایست قابلیت ارجاع به داورى را هم داشته باشد. اصل بر این است که همه روابط حقوقی قابل ارجاع به داورى هستند اما در همه نظام‌های حقوقی مواردی هستند که داورى پذیر نیستند به طور مثال ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی دعوی ورشکستگی را چون مربوط به نظم

اقتصادى است قانونگذار ترجيح داده فقط در محاکم دادگستري بدان رسيدگى شود و غير قابل ارجاع به داورى است. همچنين دعاوى راجع به اصل نکاح و طلاق و نسب نيز قابل ارجاع به داورى نيستند. هر چند در خصوص برخى دعاوى ترديد است که مى‌توان به داورى ارجاع داد يا خير مثلاً دعاوى کارگر و کارفرما يا دعاوى مربوط به حقوق مالکيت فکرى و دعاوى ابطال اسناد رسمى و همچنين دعاوى که در صلاحيت مراجع شبه قضائى يا در صلاحيت مراجع اختصاصى هستند را مى‌توان يا نمى‌توان به داورى ارجاع داد. مى‌توان گفت که اصل بر قابل ارجاع بودن دعوا به داورى است مگر جايى که قانونگذار صريحاً منع کرده باشد زيرا داورى مبتنى بر خواست و اراده طرفين است و مى‌بايست بر اراده طرفين احترام گذاشت و بى اثر کردن اراده طرفين نياز به نص دارد و نمى‌توان با تفاسير کلى، اراده طرفين را بى اثر دانست.

«برخى از دعاوى به لحاظ ماهيت موضوع ارجاع شده به داورى قابل ارجاع به داورى نيستند. قانونگذار اين استثنائات را در ماده ۴۷۸ قانون آئين دادرسى مدنى درج نموده است. به عنوان مثال دعاوى مربوط به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، توليت، وقف، نسب و دعاوى مربوط به ورشکستگى از اين قبيل دعاوى هستند. همچنين رسيدگى به امور کيفرى نيز از صلاحيت داورى خارج بوده و بايد در دادگاه‌ها طرح و رسيدگى شوند. همچنين با تأمل در ساير مواد قانون آئين دادرسى مدنى ملاحظه مى‌شود که قانونگذار موضوعات ديگرى را نيز غير قابل داورى (داورى ناپذير) مى‌داند. بر اساس ماده ۴۷۸ و مفهوم مخالف ماده ۴۷۹ در صورتى که دعايى جزايى با موضوعى مدنى به نحوى آميخته باشد که از

يکديگر تفکيک آن‌ها ممکن نباشد يا چنانچه ضمن رسيدگى داور، ادعاى جعل و تزوير با تعيين جاعل و امکان تعقيب وى مطرح شود، چنين موضوعاتى از موارد غير قابل رسيدگى توسط داور محسوب مى‌گردد» (اميرمعزى، ۱۳۹۱، ۵۳۵). با اين حال، ناگزير، برخى از موضوعات کيفرى و ادعاها ممکن است به روند داورى خزش کنند. در ادامه به انواع داورى در نظام‌هاى حقوقى ايران و انگلستان بر اساس موضوع داورى پرداخته مى‌شود. بر اين اساس موضوعات غيرقابل ارجاع به داورى به شرح زير است: (۱) دعاوى ورشکستگى البته بايد توجه داشت که صدور حکم ورشکستگى قابل ارجاع به داور نيست اما داور دعاوى راجع به شخص ورشکسته قابل ارجاع به داورى است. (۲) اصل نکاح: شامل دعاوى اثبات رابطه زوجيت بطلان نکاح و انفساخ نکاح مى‌شود. (۳) فسخ نکاح (۴) طلاق: که شامل دعاوى درخواست حکم طلاق و درخواست گواهي عدم امکان سازش است توجه داشته باشيد که در دعاوى راجع به حضانت ملاقات نفقه زوجه و اقارب اجرت المثل ايام زوجيت و جهيزيه، استرداد جهيزيه قابل ارجاع به داورى است. (۵) نسب: که شامل دعاوى اثبات نسب و نفى ولد مى‌شود. (۶) جرايم رسيدگى به جرم حتى جرايم قابل گذشت قابل ارجاع به داورى نيست. (۷) امور حسبي قابل ارجاع به داورى نيست.

قانون آئين دادرسى مدنى ايران مشتمل بر ۵۲۸ ماده در تاريخ ۱۳۷۹/۱/۲۱ به تصويب مجلس شوراى اسلامى ايران رسيد. مطابق با ماده ۴۵۴ قانون آئين دادرسى مدنى ايران «کليه اشخاصى که اهليت اقامه دعوا دارند مى‌توانند با تراضى يکديگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده يا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله

از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند».

«دولت جمهوری اسلامی ایران درصدد تهیه قانون جدیدی برای داوری تجاری بین‌المللی برآمد و لایحه‌ای زیر عنوان قانون داوری تجاری بین‌المللی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد که بدون دشواری زیاد در ۲۶ شهریور ۱۳۷۶ به تصویب مجلس و در ۹ مهر همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید. تصویب چنین قانونی به ویژه از آنجا لازم می‌نمود که مقررات آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ در زمینه داوری (مواد ۶۳۲ تا ۶۸۰) که از قانون آیین دادرسی پیشین فرانسه گرفته شده بود، حدود شصت سال از عمرش گذشته و در این مدت تحول چشمگیری در مقررات داوری ملی و بین‌المللی پدید آمده است. گرایش‌ها و اندیشه‌های جدیدی در حقوق داوری‌ها شکل گرفته که در قدیم مطرح یا مورد قبول نبوده است. از این رو مقررات داوری قانون آیین دادرسی مدنی، کهنه و ناقص و خصوصاً نامناسب برای داوری بازرگانی بین‌المللی است» (قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶: مواد ۶۳۲ الی ۶۸۰).

«تهیه‌کنندگان لایحه قانون داوری تجاری بین‌المللی الگوی خوب و جالبی در اختیار داشتند که عبارت از «انون نمونه داوری بازرگانی بین‌المللی آنسیترال بوده است. قانون داوری تجاری بین‌المللی، مانند قانون نمونه آنسیترال، مشتمل بر ۳۶ ماده است و فصل‌بندی آن مشابه فصل‌بندی قانون نمونه است، با این تفاوت که قانون داوری تجاری بین‌المللی دارای نه فصل و قانون نمونه آنسیترال متضمن هشت فصل است. در هشت فصل اول قانون ایران با بهره‌گیری از قانون نمونه، از مقررات عمومی، موافقت نامه

داوری، ترکیب هیأت داوری، صلاحیت داور، نحوه رسیدگی داوری، ختم رسیدگی صدور رأی، اعتراض به رأی و اجرای رأی سخن به میان آمده و فصل نهم قانون زیر عنوان سایر مقررات مشتمل بر یک ماده (ماده ۳۶) است که در سه بند قلمرو اجرایی قانون را مشخص کرده است. برابر بند ۵ ماده یادشده قلمرو اجرای قانون جدید محدود به داوری تجاری بین‌المللی است و این گونه داوری از شمول قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است. معیار بین‌المللی بودن داوری از نظر ق. د. ت. ب. آن است که یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد (بند ب ماده ۱). این تعریف قلمرو داوری بین‌المللی مشمول قانون را بسیار محدود می‌کند» (شفیعی، ۱۴۰۱، ۴۶۵).

۵-۲. چالش‌های حقوقی داوری در نظام حقوقی ایران

در این قسمت به بررسی چالش‌های حقوقی داوری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. این چالش‌ها عبارتند از:

۵-۲-۱. چالش‌های مربوط به داوران در اجرای داوری

همانگونه که می‌دانیم داوری ناظر به حل مسالمت‌آمیز اختلافات است و یکی از دلایل پذیرفتن این شکل حل و فصل مخاصمات، سادگی و عاری از تشریفات بودن داوری است ولی در عین حال این به آن معنا نیست که داوران در رسیدگی و مذاکرات و نهایتاً صدور رأی خود، تابع هیچ اصولی نباشند و صرفاً به تبعیت از عدالت و نصفت رأی بدهند بلکه، باید حتماً هم در رسیدگی‌ها و طی جلسات مذاکرات و هم در موقع

يا همسرانشان يا يکى از اقرباى سببى يا نسبى تا درجه دوم از طبقه سوم او با يکى از اصحاب دعوى (اختلاف) يا زوجه يا يکى از اقرباى نسبى يا سببى تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسى مدنى دارند. (۸) کارمندان دولت در حوزه مأموريتشان».

همچنين در ماده ۴۶۶ و ماده ۴۷۰ بعضى اشخاص از انتخاب به عنوان داور ممنوع شده‌اند که عبارتند از: «۱) اشخاصى که فاقد اهليت قانونى هستند. ۲) اشخاصى که به موجب حکم قطعى دادگاه يا در اثر آن از داورى ممنوع شده اند. ۳) کليه قضات و کارمندان ادارى شاغل در محاکم قضايى».

علاوه بر موارد مذکور، «ماده ۴۷۰ قانون آئين دادرسى مدنى، کليه قضات و کارمندان ادارى شاغل در محاکم قضايى را از داورى منع کرده است اين امر شامل قضات و کارمندان در حال تعليق از خدمت و کارمندان و قضات در حوزه‌هاى قضايى ديگر نيز مى‌شود. اما کارمندان شاغل در دستگاه ديگر و يا بازنشسته دادگستري و همچنين کارکنان قراردادى و روزمزد از قاعده مذکور در ماده فوق‌الذکر مستثنى مى‌باشند. نکته قابل ذکر در اين زمينه اينست که کارمند ادارى مذکور در ماده تنها کارمندان شاغل در محاکم دادگستري است» (رضايى، ۱۳۹۵، ۲۷).

از مهم‌ترين چالش‌هاى مطرح در خصوص داوران در نهاد داورى تعداد آنها مى‌باشد. «در مواردى که گروهى بودن داورى پذيرفته شده است ترکيب هيأت داورى از دو جهت جاى بحث دارد. بحث اول مربوط به زوج و فرد بودن اعضاى هيأت داورى است. در بعضى از کشورها عيني داوران ضرورتاً به عدد فرد است و تعيين داور به عدد زوج موجب باطل شدن قرارداد داورى است. در برخى از

صدور رأى و نظر خود به عنوان داور، اصول و موازينى را رعايت بنمايند تا رأى آنها قابليت اجرا و اعمال داشته باشد. به هر حال رأى داور بايد متضمن شرايطى باشد تا معتبر و لازم‌الاجرا گردد و گر نه اگر حائز اين شرايط نباشد قابليت اجرا و اعمال را نخواهد داشت و در اين صورت تمام اقدامات و صرف وقتى که براى امر داورى و حل مسالمت آميز اختلافات طرفين شده عبث و بيهوده خواهد بود (سليميان و همکاران، ۱۳۹۴، ۱). «گرچه طرفين مى‌توانند در توافقى که به صورت شرط داورى منعقد مى‌شود نيز داور، يا داوران را تعيين و يا ترتيب انتخاب آنها را پيش بينى نمايند اما در حقوق ايران پيش بينى نکردن اين امر موجب بطلان شرط نخواهد بود. در حقوق ايران چنانچه داور در توافق نامه‌اى که به صورت شرط ضمن عقد منعقد مى‌شود تعيين شده باشد، موافقت داور به داورى شرط صحت نمى‌باشد» (ماده ۴۵۹ قانون دادرسى مدنى).

طبق ماده ۴۶۹ قانون آئين دادرسى مدنى بعضى اشخاص هستند که تنها با تراضى طرفين مى‌توانند به عنوان داور انتخاب شوند که عبارتند از: «۱) كسانى كه سن آنان كمتر از ۲۵ سال تمام باشد. ۲) كسانى كه در دعوى يا اختلاف ذى‌نفع باشند. ۳) كسانى كه با يکى از اصحاب دعوى قرابت سببى يا نسبى تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند. ۴) كسانى كه خود يا همسرانشان وراثت يکى از طرفين باشند. ۵) كسانى كه قيم يا كفيل يا وكيل يا مباشر امور يکى از اصحاب دعوى هستند يا يکى از اصحاب دعوى مباشر امور آنان باشد. ۶) كسانى كه با يکى از اصحاب دعوى يا با اشخاصى كه قرابت نسبى يا سببى تا درجه دوم از طبقه سوم دارند، در گذشته يا حال دادرسى كيفرى داشته باشند. ۷) كسانى كه خود

کشورهای دیگر در صورت تعیین داور زوج دادگاه داور دیگری اضافه می‌کند و بالاخره در بعضی دیگر مشکلی بوجود نمی‌آید. در این بخش مهم‌ترین چالشی که مطرح می‌شود در خصوص تعداد داوران است که اگر تعداد داوران تعیین نشده باشد چه باید کرد؟ در این مورد اتفاق نظر وجود ندارد. چنانکه در بعضی از کشورها اگر در قرارداد داور اسامی داوران ذکر نشده باشد و یا حداقل روشی برای مشخص نمودن آنها پیش‌بینی نشده باشد قرارداد محکوم به باطل شدن است. در بعضی دیگر از کشورها در صورت سکوت قرارداد داور دادگاه می‌تواند ترکیب دادگاه داور را خود تعیین نماید» (۱). مطابق قواعد داورى اتاق بازرگانى بین‌المللى «چنانچه طرفین در مورد تعداد داوران توافقی نکرده باشند دیوان یک نفر را به عنوان داور منفرد منصوب خواهد کرد مگر اینکه به نظر دیوان اختلاف مطروحه طوری باشد که نصب سه نفر داور را اقتضاء کند» (بند ۲ ماده). در قانون داورى تجارى جمهورى اسلامى ایران نیز «تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف گذاشته شده است در صورت عدم تعیین هیأت داورى مرکب از سه عضو خواهد بود و در صورت عدم توافق توسط دادگاه تعیین خواهند شد» (ماده ۹۱ و ۹۹).

«چالش دیگر قابل طرح در خصوص داور و جایگاه آن این است در مواردی که اصل گروهی بودن داورى قبول می‌شود، که آیا داوران در بطن گروه از نظر شکلی و ماهوی برابر هستند؟ در تحلیل این چالش می‌بایستی یادآور شد که در داورى گروهی اصطلاحاتی مانند داور ساده یا داور سوم یا داور رئیس و سرداور و یا داور علی‌البدل دیده می‌شود. این اصطلاحات اگر چه استاندارد شده و یکنواخت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد ولی وجود

آنها مؤید این است که در بطن هیأت داورى، داوران ممکن است سمت‌های متفاوتی داشته باشند. در عمل رئیس هیأت داورى (داور رئیس) از نظر ماهوی و قضایی با سایر داوران تفاوت دارد و در صورت ائتلاف نظر به صورت داور منفرد رأى صادر می‌کند و سازماندهی داورى را بر عهده دارد. در بند یک ماده ۲۵ قواعد داورى اتاق بازرگانى بین‌المللى مقرر شده است که: در مواردی که مرجع داورى مرکب از بیش از یک داور است، رأى داور با اکثریت آراء صادر می‌شود. در صورتی که اکثریت حاصل نشود، رئیس مرجع داورى به تنهایی رأى صادر می‌کند» (امیرمعزى، ۱۳۹۱، ۵۳۵).

«در قواعد داورى آنسیتراى نیز در موضوعات شکلی با اجازه دیوان داورى داور رئیس اتخاذ تصمیم می‌کند ولی دیوان حق تجدید نظر دارد. در قانون داورى تجارى بین‌المللى در چند مورد به وجود سرداور اشاره ولی مشخص نشده است که نقش سرداور چیست فقط در قسمت دوم بند ۷ ماده ۹۹ به دادگاه تکلیف شده است که: در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید ولیکن تعیین داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور متبوع طرف دیگر مجاز نیست احوال داور ثالث (داور فرد) از نظر ماهوی و شکلی با سایر داوران ارزش برابر دارد و در صورت اختلاف نظر در هیأت داورى برای ایجاد اکثریت دخالت می‌کند. داور علی‌البدل در شرایط عادى جزء هیأت داورى نیست فقط در مواردی وارد هیأت می‌شود که علیرغم الزامی بودن یکی از داوران اصلی در دادگاه داورى حضور نمی‌یابد و عدم حضور او موجب اطاله دادرسی و از دست رفتن فرصت و اتلاف وقت است» (بهبهانی، ۱۳۹۵، ۲۴).

رسیدگی به این درخواست ایراد عدم صالحیت میکنند. به این استناد که ماده ۳۱۱ ق.آ.د.م. قاعده‌های عام است و مرجع صالح برای درخواست دستور موقت را دادگاهی می‌داند که اصل دعوا در آنجا مطرح است. با بیان شرایط، نه دادگاه و نه دیوان داورى نوعاً به چنین درخواستی رسیدگی نمی‌کنند.

۵-۲-۲. چالش‌های قلمرو داورى در نظام حقوقى ایران

«متخصصان حقوق اسلامی در مورد قلمرو داورى اتفاق نظر ندارند. برخی از فقها برای موضوعات قابل داورى محدودیتی قائل نیستند. عده‌ای از فقهای شیعه استدلال می‌کنند هر چه دعواى طرفینی بر سر آن متصور و ممکن باشد از مسائل مالی گرفته تا نکاح و قصاص و حدود و غیر آن، قابل ارجاع به داورى است زیرا مقتضی ارجاع در آنها موجود است و عموم ادله و اخبار جواز و نفوذ تحکیم نیز، آنها را در بر می‌گیرد» (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۴، ۲۷)؛ ولیکن در نظام حقوقی ایران در خصوص قلمرو موضوع داورى محدودیت‌های قائل شده‌اند: «قانونگذار این استثنائات را در ماده ۴۷۸ قانون آئین دادرسی مدنی درج نموده است. به عنوان مثال دعاوی مربوط به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، تولیت، وقف، نسب و دعاوی مربوط به ورشکستگی از این قبیل دعاوی هستند. همچنین رسیدگی به امور کیفری نیز از صلاحیت داورى خارج بوده و باید در دادگاه‌ها طرح و رسیدگی شوند. همچنین با تأمل در سایر مواد قانون آیین دادرسی مدنی ملاحظه می‌شود که قانونگذار موضوعات دیگری را نیز غیر قابل (داورى ناپذیر) می‌داند. بر اساس ماده ۴۷۸ و مفهوم مخالف ماده ۴۷۹ در صورتی که دعاوی جزایی با موضوعی مدنی به نحوی آمیخته باشد که از

از خلاءهای قانونی سیستم حقوقی ایران درباره داورى می‌توان به خلاءهای قانون در باب صدور دستور موقت و تأمین خواسته اشاره کرد. مطابق با قانون آئین دادرسی مدنی سخن از چنین حقی برای داور وجود ندارد و در قانون تجارت بین‌المللی داورى نیز در جاهایی با حذفهایی از قانون آنسیترال روبه‌رو هستیم که به نوعی سبب ابهام مضاعف شده است. در ماده ۹ قانون مذکور بیان شده است که هر یک از طرفین قیل یا حین رسیدگی داورى، می‌تواند از دادگاه قرار صدور دستور موقت را درخواست کند. این ماده که ترجمه قانون آنسیترال نیز است با تغییراتی تصویب شده است. تأمین خواسته در آن حذف شده است، صدور دستور موقت باید از طریق دادگاه صورت پذیرد و اختیاری به داور در این باب داده نشده است و خود این امر منجر به ضعف شده است. در همین راستا صفایی برای پوشش دادن چنین ضعف‌هایی با تفسیری قانونی سعی بر رفع معضلات کرده است. ایشان حضور دستگاه دولتی تا حدود انجام مهر و موم بهنحو قانونی و حمایت از داوران در این باب را تا آنجا که منجر به دخالت قضایی نشود خوب می‌داند و دستور موقت قانون مذکور در مواد ۹ و ۱۷ را دستور موقتی حمایتی دانسته است و شامل هر دو مورد تأمین خواسته و دستور موقت قانونی. بنابراین یکی از خلاءهای موجود در قانون آئین دادرسی مدنی، عدم تصریح امکان صدور دستور موقت از جانب دادگاه یا دیوان داورى است. در شرایط کنونی، این عدم تصریح موجب شده است تا از یکسو، در عمل، داوران نتوانند چنین قراری صادر کنند؛ از سوی دیگر، حتی زمانی که طرفین برای مطرح کردن چنین درخواستی به دادگاه مراجعه می‌کنند، غالب دادگاه‌ها نیز به راحتی برای

یکدیگر تفکیک آن‌ها ممکن نباشد یا چنانچه ضمن رسیدگی داور، ادعای جعل و تزویر با تعیین جاعل و امکان تعقیب وی مطرح شود، چنین موضوعاتی از موارد غیر قابل رسیدگی توسط داور محسوب می‌گردد» (قاسمی؛ اندرز؛ واحدی زاده، ۱۴۰۲، ۲۱) مهم‌ترین چالشی که در اینجا مطرح است این است که علی‌رغم تبعیت نظام حقوقی ایران از قوانین اسلامی چرا در خصوص قلمرو داوری بین فقها و آنچه که در نظام حقوقی و آیین‌نامه‌ها مطرح شده است اتفاق نظر وجود ندارد. از طرفی، یکی دیگر از ایرادهای وارده به داوری در ایران این است که قانونگذار ایران به دوراز فلسفه داوری، ارجاع داوری به کارشناسی را با توافق طرفین به موجب قوانین آئین دادرسی مدنی نادیده گرفته است و به موجب قانون داوری تجاری بین‌المللی چنین امری را فقط در مرحله دوم و در شرایط عدم انتصاب کارشناس توسط داور و آنهم به صورت منفرد لحاظ کرده است.

کارشناس فقط در امور موضوعی و آنهم فقط در موضوعی که به وی ارجاع شده است و نه درباره کل موضوع اختلاف می‌تواند اظهار نظر کند. گزارش کارشناس فقط جنبه اثباتی دارد و در نهایت داور است که مهر تأیید بر آن می‌زند یا اینکه صرف نظر از آن، حکم دیگری را صادر می‌کند. در همین راستا کارشناس صلاحیت دارد که تمامی اسنادی را که در پروسه داوری توسط طرفین ارائه شده است، از طرفین اختلاف تقاضا کند و همچنین هر آن چیزی را که در کشف حقیقت الزم است؛ بخواهد. ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد گاهی منجر به عدم رسیدگی به درخواست خواهان کارشناسی می‌شود و در مواردی منجر می‌شود به اجازه کارشناس به اظهار نظر با توجه به شرایط موجود بدون توجه به

اسناد طرفی که اسناد را مکتوم کرده است. قانونگذار آئین دادرسی مدنی ایران بدون توجه به موارد ذکر شده و عدم تصریح به ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد الزم برای کارشناسی سبب ناکارآمدی نهاد داوری در حقوق ایران شده است. هرچند در ماده ۲۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی در مورد لزوم ارائه اسناد سخن گفته است؛ درباره ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد مورد نیاز کارشناس اشارهای نکرده است.

۵-۲-۳-۱. چالش‌های اعتبار رأی داوری در

نظام حقوقی ایران

رأیی که داور صادر می‌کند و حرف و نظر داور یا داوران ملاک عمل قرار می‌گیرد و محترم شمرده می‌شود. یعنی اگر در قراردادی شرط داوری گنجانده شده باشد که به داور ارجاع شود داور تصمیم می‌گیرد و نمی‌توان در دادگاه در مورد موضوع مطرح شده طرح دعوا کرد. در صورتی که در یک قرارداد، طرفین حل اختلافات خود را به نهاد داوری ارجاع داده باشند ولی به جای طرح دعوا نزد داور به محاکم دادگستری مراجعه کنند با قرار رد دعوا مواجه می‌شوند. البته این امر مانع این نیست که طرفین نتوانند به هر دلیلی ابطال رأی داور را از محاکم تقاضا کنند.

«آنچه در نظام حقوقی ایران به نوعی خط قرمز محسوب می‌گردد، مقوله نظم عمومی بوده و عمده جهات ابطال رأی داور، مبتنی بر همین جهت می‌باشد. در این موارد قانون لازم می‌داند که رأی داور از دهلز پایش دادگاه عبور نماید تا پس از تصفیه و حذف زوائد، امکان اجرای آن وجود داشته باشد یا به طور کلی بی اعتبار اعلام شود. لذا «اصل کنترل پذیری رأی داور و دخالت دادگاه، یکی از اصول پذیرفته شده در تمام نظام‌های حقوقی است که محدوده آن متفاوت

است» در داورى‌هایی که تماماً خارج از دادگاه صورت گرفته اند و هیچ مرجع دولتی یا قضایی بر آن نظارت نداشته است، باید برای دادگاه که مرجع ابلاغ رأى داور و صدور اجرائیه است، اطمینان نسبی از جریان صحیح داورى وجود داشته باشد تا بتواند موجبات اجرای آن را فراهم کند. دادگاه باید در تمام موارد با ملاحظه مفاد رأى داور و متن قرارداد داورى و به شرط عدم مشاهده یکی از موجبات بطلان اساسی در آن، دستور ابلاغ و اجرای آن را صادر کند» (انصاری؛ معبودی نیشابوری، ۱۳۹۸، ۱۷۹).

«چراکه اگر قائل بر هیچ سطحی از پایش قضایی نباشیم، امکان سوءاستفاده داوران وجود دارد و ممکن است موجب تضرر برخی اشخاص - خاصه افراد آسیب پذیرتر - گردد. در استقلال کامل هیئت داورى این خطر ذاتی وجود دارد که چنین هیئتی بدون هیچ سازکار نظارت قضایی، بسیار مستعد سوءاستفاده است. در برخی نظام‌های حقوقی ازجمله ایران، آن چنان که برخی پژوهشگران برجسته داورى نوشته‌اند، پیوست یک نسخه از رأى و قرارداد داورى به درخواست اجرا ضروری دانسته شده است؛ که خود به نوعی امکان پایش دادگاه را مهیا و ممکن می‌سازد. اگر رأى داورى صادره آشکارا خلاف نظم عمومی بوده یا در موضوعی داورى‌ناپذیر صادر شده باشد یا اصول بنیادین دادرسی مانند حق دفاع و اصل تناظر رعایت نشده باشد، دستور اجرا صادر نخواهد شد. البته معمولاً در روبه، بازرسى کامل رأى را در چهارچوب رسیدگی‌های ابطال انجام می‌دهند. اگر امکان نظارت را برای دادگاه در مرحله ابلاغ و اجرای رأى قائل نباشیم و آن را به یک اقدام اداری کاهش دهیم، مقرر قانونگذار در این خصوص بیهوده می‌گردد و دادگاه را تا

اندازه یک امور ابلاغ فرو خواهد کاست و تردید نباید نمود که دادگاه درمورد موارد بطلان ذاتی، سرخود می‌تواند با رد درخواست اجرا، عملاً اثری چون بطلان رأى را بر آن مترتب سازد. اگر پایش دادگاه‌ها بر آرای داورى بنا به مصالحی لازم است و در اصل لزوم وجود نظارت، در نظام حقوقی ایران، میزان و گستره این پایش محل گفت و گو است. در گذشته‌های دور، دادگاه‌ها بازبینی آرای داورى را در مرحله اجرا انجام می دادند. اگر دادگاه در می‌یافت که درخواست اجرا باید رد شود، این پایان داستان داورى و رأى آن بود» (عزیزیانی، ۱۴۰۱، ۱۸۲). «اما با گذر زمان و اقبال بیشتر به داورى و کاستن ناگزیر دولت از میزان مداخله خود در امور خصوصی مردم و ازجمله داورى، شرایط به سود داورى تغییر کرد. امروزه نه نظریه منع پایش مطلق قضایی پذیرفته است و نه دست‌اندازی بیش از حد دادگاه‌ها در داورى، بلکه انتظار از دادگاه، پشتیبانی و حمایت از جریان داورى است. اصل عدم مداخله و استثنایی، حصری و مشخص بودن موارد مداخله دادگاه در رأى داورى، قابل دفاع است و نمی‌توان اختیاری گسترده برای دادگاه‌ها در دست‌اندازی بر آرای داورى قائل شد. تجویز بازنگری کامل و همه جانبه رأى داورى، به استناد اشتباهات داوران، رأى داورى را همانند احکام دادگاه‌های بدوی دادگستری در معرض رسیدگی تجدیدنظر و پژوهش در مراجع قضایی دولتی قرار می‌دهد و درنهایت تمام مزایای داورى ازجمله سرعت و صرف هزینه کمتر و رهایی از تشریفات دست و پاگیر رسیدگی‌های قضایی از بین خواهند رفت و این برخلاف هدف و فلسفه داورى خصوصی می‌باشد؛ بنابراین شایسته است اصل «عدم مداخله» دادگاه‌ها در روند داورى، به شکل ماده‌ای

مستقل در قوانین گنجانده شده و موارد امکان مداخله به عنوان جهاتی استثنایی منصوص گردند» (کریمی؛ پرتو، ۱۳۹۷، ۱۲۱).

۵-۲-۳-۲. چالش‌های اجرای رأی داور در نظام حقوقی ایران

رای داور مستظهر به قانون و مستند به توافق متداعیین می‌باشد بنابراین به محض صدور لازم الاجرا می‌باشد. اما مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی رأی داور در صورت عدم اجرای اختیاری توسط متعامدین نیاز به ابلاغ یا الزام به اجرای رأی داور توسط دادگستری می‌باشد. در این مواقع محکوم علیه ممکن است مدعی بطلان یا عدم قابلیت اجرا رای داور باشد و یا شکایت ابطال رای داور را مطرح کند. از آنجایی که روند رسیدگی دادگاه‌ها به شکایت از آرای داور، می‌تواند در ایجاد رغبت یا عدم تمایل مردم به ارجاع اختلاف خود به داور، موثر باشد؛ هر قدر نظارت قضائی، محدودتر و یکنواخت‌تر صورت گیرد، گرایش به داور بیش‌تر خواهد شد؛ زیرا تقویت آرای داور و تضمین اجرای آنها را در پی خواهد داشت. بالعکس، هر چه نظارت دادگاه‌ها بیش‌تر و سلیقه‌ای‌تر شود، آرای داور هم بیش‌تر در معرض ابطال و تزلزل قرار می‌گیرد؛ نتیجه این‌که افزایش مراجعه به دادگاه‌ها و تراکم بیش از پیش دعاوی را در دادگستری وجود خواهد داشت (احمدی؛ رستمی‌فر، ۱۴۰۰، ۱). «از آنجا که رأی داور برخلاف حکم دادگاه از طرف دولت صادر نشده است و یک سند خصوصی به حساب می‌آید هم اجرای اجباری آن منوط به دستور دادگاه صالح است و هم دادگاه حق نظارت قضایی و ابطال آن را دارد» (دانای علمی، ۱۳۸۷، ۲). در عمل به دلیل وجود دو جریان رسیدگی قضایی یعنی رسیدگی‌های اجرایی و رسیدگی‌های مربوط

به ابطال، داده‌گاه‌های تابع نظام حقوقی ایران با تکیه بر ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی با درخواست محکوم‌له دستور اجرای رأی داور را می‌دهند و اعمال هرگونه نظارت به رسیدگی‌های مربوطه را باطل می‌دانند.

بنابراین یکی از چالش‌های موجود بر اجرای آراء داور عدم وجود نهاد خاص برای اجرای احکام صادره توسط داور یا داوران می‌باشد. موسسات داور با اینکه از استقلال نسبی برخوردارند در صدور آراء خود ولی در اجرای احکام خود محتاج اجرای احکام دادگستری می‌باشد. بدین صورت که پس از صدور آراء توسط داور یا داوران و قطعی شدن آراء در صورت عدم اعتراض حکم صادره می‌بایستی توسط اجرای احکام دادگستری اجرا شود. چالش دیگر در این خصوص نیز عدم وجود نهاد تجدیدنظر در خود موسسات داور می‌باشد. بدین صورت که اگر به آراء داور اعتراض شود می‌بایستی توسط قضات دادگستری بررسی و حکم صادر شود. همچنین چالش دیگر در اجرای آرای داور مربوط به شرایط داور بوده است به این ترتیب که داور یا اختیاری است یا اجباری. که هر دو از نظر شرایط و صفات با هم متفاوت هستند. در داور اختیاری با اینکه داور دارای شرایط و اهلیت نباشد باز احکام آن برای طرفین قابل اجرا و لازم‌الاجرا می‌باشد. ولی در داور اجباری یا داور توسط موسسه داور باید هم دارای اهلیت لازم و هم صفات لازم باشند که در صورت عدم شرایط مطروحه آراء صادره باطل می‌شود.

۵-۳. چالش‌های اقتصادی داور در نظام حقوقی ایران

یکی از شروط مهم داور که در مقررات داور اهمیت به سزایی دارد، بحث چالش‌های اقتصادی

در زمینه هزینه‌های داورى است. «هزینه‌های رسیدگی داورى را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: هزینه‌های مربوط به مرجع داورى و هزینه‌های مربوط به وکلا، مشاوران حقوقى، کارشناسان و شهود» (سوبودا؛ کونستیر، ۲۰۱۶، ۴۳۲). چالش‌های اقتصادى در سیستم داورى مربوط به دو بخش میزان هزینه داورى (تعیین حق‌الزحمه داور) و محل تأمین هزینه داورى است. «در خصوص محل تأمین هزینه‌های داورى شایان ذکر است تمایل دیوان‌های داورى بر این است که در صورت فقدان توافق میان طرف‌ها هزینه‌های داورى محکوم‌له را از محکوم‌علیه بستانند» (برن، ۲۰۱۴، ۳۰۹۶). «خوانده می‌تواند پس از طرح دعوا از دیوان داورى بخواهد که دستور موقتى مبنی بر اخذ تأمین از خواهان در قبال هزینه‌های داورى را که او متحمل شده است، صادر کند تا بتواند پس از پیروزی در دعوا، هزینه‌های خود را از محل آن دریافت کند. البته، صدور چنین دستور موقتى که مانع طرح دعاوى واهى می‌شود، در صورتى در پرونده داورى توجیه‌پذیر است که بر طبق موافقت‌نامه داورى یا قانون حاکم بر داورى، خوانده پیروز امکان مطالبه هزینه‌های داورى از خواهان را داشته باشد. در خصوص اختیار دیوان داورى برای صدور چنین دستور موقتى باید گفت که فارغ از تصریح به این اختیار در قواعد مراجع داورى و پذیرش آن در رویه داورى بین‌المللى، اختیار دیوان‌های داورى در صدور دستور موقت را باید شامل اخذ تأمین برای این هزینه‌ها نیز تلقى کرد» (هاروود و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۰۶).

از جمله مواردی که طرفین داورى می‌توانند با اتکا به اصل حاکمیت اراده، درخصوص میزان و نحوه آن توافق کنند، هزینه‌های مرتبط با داورى به

خصوص حق‌الزحمه داور است. البته اختیار طرفین در تعیین قواعد مذکور، مطلق نبوده و رعایت برخی قواعد ضرورى بوده و عدم رعایت این قواعد در برخی موارد منجر به از بین رفتن شرط داورى یا حتى ابطال رأی داور می‌شود (عزیزیانى، ۱۴۰۱، ۱۸۲). بر این اساس یکی از چالش‌های اقتصادى در اجرای سیستم داورى در نظام حقوقى ایران تعیین میزان حق‌الزحمه داور است. به نظر می‌رسد در فرض واگذاری اختیار تعیین حق‌الزحمه به خود داور به طورکلی در واگذاری تعیین حق‌الزحمه داورى به داور مشکلی به نظر نمی‌رسد و کلیه حقوق ازجمله حق تعیین حق‌الزحمه داورى، قابل انتقال و وکالت به دیگری بوده، ولی در مورد تعیین میزان حق‌الزحمه باید گفت داور در حکم وکیل است، زیرا بر طبق ماده ۴۹۷ ق.آ.د.م، اختیار تعیین حق‌الزحمه داورى با طرفین است و وقتى طرفین اختیار تعیین حق‌الزحمه داورى را به داور می‌دهند، به معنای آن است که داور در تعیین میزان حق‌الزحمه داورى از طرفین وکالت برای این امر داشته که در این صورت مفاد حکم ماده ۶۶۷ قانون مدنى مبنی بر رعایت مصلحت موکل توسط وکیل در تصرفات و اقدامات خود ضرورى می‌باشد.

در داورى چنانچه طرفین درخصوص هزینه‌های داورى توافقی به عمل آورده باشند، همان توافق معتبر است. پس اگر طرفین موافقت کرده باشند که میزان اجرت داورى یا سهم هریک توسط خود داور معین شود، بر همان اساس عمل می‌شود. در واقع براساس ماده ۵۰۰ ق.آ.د.م: «چنانچه بین داور و اصحاب دعوا، قراردادی درخصوص میزان حق‌الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد». لحن مطلق این ماده مبین آن است

که طرفین می‌توانند به مبلغی بیش از تعرفه قانونی توافق کنند یا اینکه خود داور نیز می‌تواند اجرت داوری را بیش از نرخ قانونی تعیین نماید. در داوری‌های داخلی مقنن طی مواد ۴۹۷ الی ۵۰۰ ق.آ.د.م به مبحث حق الزحمه داوری پرداخته شده است. حال آنکه متأسفانه در قانون داوری تجاری بین المللی راجع به نحوه و پرداخت هزینه‌های داوری سخنی به میان نیامده است. در داوری‌های داخلی، اگر ترتیبی درخصوص میزان حق الزحمه داور پیش‌بینی نشده باشد، اجرت داوری براساس آئین‌نامه حق الزحمه داوری موضوع ماده ۴۹۸ ق.آ.د.م تعیین می‌شود. آئین‌نامه‌ای که هم‌اکنون قابل اجرا می‌باشد، در سال ۱۳۸۰ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است. در داوری‌های تجاری بین‌المللی با وجود عدم وجود نص قانونی، دو طرف مختارند با توافق، خواه به صراحت در قرارداد اصلی و یا بخشی از موافقت‌نامه مستقل داوری، نحوه تخصیص هزینه‌ها را مشخص کنند. معمولاً توافق طرفین بدین نحو است که هریک از دو طرف هزینه‌های خود را متقبل و هزینه‌های اداری بین آن‌ها تقسیم می‌شود. البته میزان آزادی اراده دو طرف در این خصوص تا حدودی به قواعد مؤسسه داوری و قانون ماهوی حاکم بر داوری بستگی دارد.

۶. نتیجه

شرط داوری به عنوان شرط مستقل (صرف نظر از قانونی و قراردادی)، با وجود ظاهر ضمن عقد بودن، دارای هویتی مستقل و دارای اعتبار است و از حیث استقلال، یک عمل حقوقی مستقل محسوب می‌شود. در این میان چالش‌هایی در هنگام صدور رای و اجرای رای صادره ممکن است پیش آید که پژوهش حاضر با هدف بررسی

چالش‌های حقوقی سیستم داوری در نظام حقوقی ایران در دو بخش زیر شکل گرفت: (۱) چالش‌های انجام داوری شامل رسیدگی تا صدور رأی داوری (۲) چالش‌های اجرای رأی داوری است که توسط محکوم‌علیه اجرا می‌گردد. بر این اساس نتایج مرور نظام‌مند نشان داد چالش‌های انجام داوری شامل رسیدگی تا صدور رأی داوری عبارتند از: (۱) چالش مربوط به تعداد داوران (۲) عدم برابری داوران از نظر شکل و ماهوی در داوری‌های گروهی (۳) علی‌رغم تبعیت نظام حقوقی ایران از قوانین اسلامی چرا در خصوص قلمرو داوری بین فقها و آنچه که در نظام حقوقی و آیین‌نامه‌ها مطرح شده است اتفاق نظر وجود ندارد. همچنین چالش‌های اجرای داوری عبارتند از: (۱) عدم وجود نهاد خاص برای اجرای احکام صادره توسط داور یا داوران (۲) وابسته بودن نهاد داوری برای اجرا به اجرای احکام دادگستری (۳) نیز عدم وجود نهاد تجدیدنظر در خود موسسات داوری (۴) چالش مربوط به شرایط داوری. به این ترتیب که داوری یا اختیاری است یا اجباری. که هر دو از نظر شرایط و صفات با هم متفاوت هستند. در داوری اختیاری با اینکه داور دارای شرایط و اهلیت نباشد باز احکام آن برای طرفین قابل اجرا و لازم‌الاجرا می‌باشد. ولی در داوری اجباری یا داور توسط مؤسسه داوری باید هم دارای اهلیت لازم و هم صفات لازم باشند که در صورت عدم شرایط مطروحه آراء صادره باطل می‌شود. چالش‌های اقتصادی مربوط به سیستم داوری شامل موارد زیر است: (۱) محل تأمین هزینه‌های داوری (۲) میزان حق الزحمه داور. از آنجایی که برخی از چالش‌ها هم در مرحله صدور و هم در مرحله اجرای رأی پابرجاست

۷. سهم نویسندگان

تمامی نویسندگان بصورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.



منابع

منابع فارسی

- 0 رضایی، علی، «مسئله هزینه‌ها در داوری‌های تجاری بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره سه، ۱۳۹۵.
- 0 سلیمیان، ابوالفضل؛ احمدیان، سعید؛ افخمی مهرجردی، محسن، «ویژگی‌ها و خصوصیات رأی داور در حقوق ایران»، شیراز، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، ۱۳۹۴.
- 0 شفیعی، مهدی، «چالش‌های فراروی نهاد داوری در نظام حقوقی ایران با تکیه به داوری بین‌المللی».
- 0 عزیزانی، مجید، «نقش حاکمیت اراده در تعیین شروط داوری (هزینه و ابلاغ و ضمانت اجرا در رویه قضایی)»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره نود و هشت، ۱۴۰۱.
- 0 قاسمی، مهدی؛ اندرز، داود؛ واحدی زاده، جواد، «دلایل اقتصادی کارایی داوری در نظام حقوقی ایران»، مجله مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۲.
- 0 کریمی، عباس؛ پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری داخلی، چاپ پنجم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۷.
- 0 مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱.
- 0 احمدی، علی؛ رستمی‌فر، علی، «چالش‌های رأی داوری و عدم قابلیت اجرای رأی در نظام حقوقی ایران»، قشم، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی - حقوق - مطالعات اجتماعی و روانشناسی، ۱۴۰۰.
- 0 اعظم، انصاری؛ معبودی نیشابوری، رضا، «شرایط قرار تأمین هزینه‌ها در داوری تجاری بین‌المللی»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره دو، ۱۳۹۸.
- 0 امیرمعزی، احمد، داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.
- 0 بهبهانی، محمدرحیم، «جایگاه نهاد داوری در حقوق ایران با رویکرد فقهی»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره هجده، ۱۳۹۵.
- 0 دانای علمی، منیژه، «علل تحولات قانون‌گذاری و مدرن‌سازی نظام داوری در ساختارهای حقوقی ایران»، مجله قضاوت، شماره پنجاه و دوم، مرداد و شهریور ۱۳۸۷.
- 0 دلایل اقتصادی کارایی داوری در نظام حقوقی ایران

منابع عربی

- 0 نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد چهارم، چاپ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸.

منابع لاتین

- 0 Born, Gary B, International Commercial Arbitration, 2nd Edition, New York, Publisher Kluwer Law International, 2014.
- 0 Harwood, Miriam K; Batifort, Simon N; Trahanas, Christina, Third-Party Funding Security for Costs and other Key Issues (The Investment Treaty Arbitration Review), 1st Edition, London, Published in the United Kingdom by Law Business Research Ltd, 2017.
- 0 Svoboda, Ondrej; Kunstyr, Jan, «Third Party Picks Up the Bill? Costs Issues Relating to Third Party Funding in Investment Arbitration», Journal of CYIL, No. 7, 2016.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی